

## دانشگاه در آینه تاریخ

### بررسی و نقد کتاب سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران

● حلیمه جعفرپور نصیر محله

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی / h.jafarpoor@ut.ac.ir

#### چکیده

رشد و بالندگی اندیشه و دانش در جریان توسعه نهادهای علمی امکان‌پذیر می‌گردد و وضعیت دانشگاه‌های یک کشور، نشان‌دهنده جایگاه علم و آگاهی در آن جامعه است. در این زمینه، کتاب سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران از مقصود فراستخواه، اثر قابل توجهی است که در آن نویسنده کوشیده است ضمن واکاوی تاریخ آموزش عالی در ایران، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن را نیز مورد بررسی قرار دهد. وی با اشاره به جریان‌های سیاسی و تاریخی، عوامل و موانع ایجاد دانشگاه و دلایل تأخیر شکل‌گیری آن را در ایران شرح داده است؛ اما روشن نبودن برخی مفاهیم، عدم پوشش برخی حوزه‌های مرتبط همچون نقش فرهنگی و تمدنی دانشگاه در جهان امروز مسائلی است که جای خالی آن در این کتاب احساس می‌شود. این پژوهش کوشیده است تا ضمن مطالعه اثر یادشده آن را توصیف، تبیین و ارزیابی نماید.

#### کلیدواژه‌ها:

دانشگاه ایرانی، تحولات سیاسی اجتماعی، فرهنگ و تمدن، نقد و ارزیابی.

#### مقدمه

دانشگاه‌ها به‌عنوان شریان‌های اصلی گسترش علم و فرهنگ در جامعه و نیز دارا بودن نقش فرهنگ‌آفرینی و انسان‌سازی همواره از ارزش و احترام زیادی در جوامع مختلف برخوردارند. به عبارت دیگر وضع دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی حاکی از پایگاه اندیشه و دانش در یک کشور و نیز بیانگر نقش آن‌ها در تحولات اجتماعی و فرهنگی است. برای نمونه وجود نهادها،



■ فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۷-۷۵۰-۸

دارالعلم‌ها، مدارس و خانقاه‌های گوناگون در تاریخ تمدن ایران که مرکز دانش و بینش بوده‌اند، پویایی علم، ادب و فرهنگ را در این سرزمین نشان می‌دهد؛ چرا که در فرهنگ ایرانی، خرد و دانایی، از مفاهیم بنیادی و شالوده‌جهان هستی است و جنبه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی ایرانیان را دربرمی‌گیرد (کسایی، ۱۳۸۳؛ زنر، ۱۳۷۷).

اگرچه تاریخچه آموزش عالی در ایران به گندی شاپور در عصر ساسانی بازمی‌گردد، اما در دوره‌های بعد تا تبدیل‌شدن به یک نهاد علمی پایدار با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده‌است. این نوشتار در صدد است با بررسی کتاب سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران به این پرسش‌ها پاسخ دهد که چه نوآوری در این اثر یافت می‌شود؟ ساختار شکلی و محتوایی کتاب چگونه است؟ و نقش فرهنگی و تمدنی دانشگاه در این اثر چگونه تبیین شده‌است؟

### معرفی اثر و نویسنده

مقصود فراستخواه (۱۳۳۵) عضو هیئت علمی و دارای دکترای برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی است. وی به تدریس درس‌هایی چون تاریخ تفکر، فرهنگ، علم و آموزش در حوزه‌های علوم تربیتی و علوم اجتماعی اشتغال داشته و تحقیقات متعددی در این زمینه‌ها انجام داده‌است که حاصل آن در مقالات و کتاب‌هایی مانند دانشگاه و آموزش عالی: منظره‌های جهانی و مسئله‌های ایرانی، تاریخ هشتاد ساله دانشکده فنی دانشگاه تهران و نیز سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران منتشر شده‌است.

1. Robert Charles Zaehner

در زمینه تاریخ آموزش عالی در ایران، آثار دیگری نیز تألیف شده که از آن جمله می‌توان به تاریخ آموزش و پرورش ایران - از ایران باستان تا ۱۳۸۰، امان‌الله صفوی، آموزش و پرورش در ایران، ناصر تکمیل همایون، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، حسین محبوبی اردکانی، سیری بر تحولات آموزش و پرورش در ایران، حبیب مکتبی و فریبا حنیفی، جامعه، جوان، دانشگاه، احسان نراقی و دانشگاه و آموزش عالی: منظره‌های جهانی و مسئله‌های ایرانی، از مقصود فراستخواه اشاره کرد.

گستره این کتاب از نظر تاریخی و عوامل و موانع مؤثر بر رونق یا رکود دانش و فعالیت‌های دانشگاهی چنان است که نمی‌توان در این نوشته کوتاه تمام آن را معرفی کرد. کتاب در هشت فصل تدوین یافته‌است.

در فصل اول «تحول نهادهای علم و دانش در دوره تمدن باستان» نویسنده ضمن بیان پیشینه تاریخی نهادهای علمی در جامعه سومر، کرت، فنیقیه، ملتیه و ایران باستان، دلایل و زمینه‌های تمایل به دانش و فن‌آوری و شکل‌گیری نهادهای علمی را در این جوامع بررسی کرده و نیز موانع رشد و رونق علم و نهادهای علمی را در ایران، تا پیش از گندی شاپور توضیح داده‌است.

در فصل دوم «سده‌های میانی، دوره تمهید دانشگاه در جهان» نویسنده، مباحثی چون تکاپوهای علمی در حوزه تمدنی ایران و اسلام و تحولات فکری و علمی در غرب و انتقال دستاوردهای تمدنی عصر باستان به دوره جدید را مطرح کرده و در ادامه به بررسی عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر جنبش نوین دانشگاهی در غرب اواخر قرون وسطی پرداخته‌است.

در فصل سوم «از رنسانس تا روشنگری: دوره تکوین دانشگاه در جهان و پس افتادگی و ناهمزمانی جامعه ایران» نویسنده، ضمن ارائه گزارشی از وضعیت جامعه ایران در عصر صفوی، فاصله میان عصر صفوی تا آغاز دوره قاجار، سعی کرده علل و زمینه‌های عقب‌ماندگی علم و دانشگاه را در ایران تبیین نماید.

در فصل چهارم «پس از روشنگری: دوره توسعه دانشگاه در جهان» فراستخواه با نگاهی به روند مدرنیته غربی و الگوهای دانشگاهی، به تحلیل و بررسی تحولات گوناگون دوره قاجار، اصلاح‌طلبی دولتی در ایران و تأثیر آن بر جنبش نوین آموزشی پرداخته و فعالیت‌های کسانی چون عباس میرزا، امیرکبیر و مشیرالدوله را در این زمینه از نظر گذرانده‌است.

فصل پنجم «عصر مشروطه گذرگاهی صعب العبور» به عصر مشروطه اختصاص یافته و دشواری‌ها و محدودیت‌های تأسیس مراکز علمی و

آموزشی مدرن در ایران، قانون معارف و ظرفیت‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم «دوره پهلوی اول تأسیس دانشگاه در درون دولت» به دوره پهلوی اول اختصاص دارد و در آن کارکردهای نهاد دولت در زمینه علم و آموزش مدرن و دانشگاه و نیز تحولات نظام آموزش عالی بعد از تأسیس دانشگاه تهران تحلیل و بررسی شده است.

در فصل هفتم «دوره پهلوی دوم» که به همراه فصل هشتم بخش عمده کتاب را تشکیل می‌دهد، تحولات نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عصر پهلوی بررسی شده است.

در فصل هشتم «دوره انقلاب اسلامی: الگوهای دانشگاهی در جهان در اوایل دوره انقلاب اسلامی» مباحثی چون تحول نهادهای علمی بعد از انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه و پیامدهای آن، سیاست‌گذاری‌های مراکز آموزش عالی در دوره انقلاب اسلامی و ... مطرح و به تحولات آموزش عالی تا اواسط دهه ۷۰ پرداخته شده است.

### بررسی و نقد شکلی اثر

به لحاظ ظواهر چاپی، علائم نگارشی و صفحه‌آرایی، متن کتاب شکل نسبتاً مطلوبی دارد. نویسنده از روش APA برای ارجاع درون‌متنی استفاده کرده؛ اما این روش به‌طور یکدست در متن رعایت نشده است. مثلاً در صفحه ۶۰۸، دو شیوه ارجاع‌دهی به کار رفته است. افزون بر این، یکی از ویژگی‌های قلم نویسنده، استفاده از جملات طولانی، مترادفات فراوان و واژگان نامأنوس است که موجب درازنویسی و اطناب در متن شده است. در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود.

- بر اثر مداخلات، نفوذ و تأثیر موبدان در دستگاه تصمیم‌گیری سیاسی، روش خونین حذف دگراندیشان مرسوم شد. (ص. ۲۶)

- او از آغاز سلطنت خود از یک سو کوشید در عرصه سیاست خارجی بر فضای بدگمانی و تشنج و منازعه‌ای که میان دو حکومت ایران و روم و با جنگ‌های طاقت‌فرسای طولانی به حالت مزمن درآمد بود فائق بیاید. (ص. ۲۷).

- در چنین بحبوحه‌ای بود که زمینه برای این فکر فراهم شد که نظم و انتظام و امنیت مرکزی برای کشور از همه چیز دیگر فوری‌تر و حیاتی‌تر است. (ص. ۱۶۴)

- سیاست در ایران بیشتر پیچیده و بغرنج، ناپایدار و بی‌قاعده، غیر قابل

پیش بینی، بیش از اندازه درهم و برهم، پرکشاکش و تنش آلود، سنگین و تراحم آمیز و صعب العبور، آشفته و ناستوار با رویدادهای متراکم و عوامل درگیر متعدد و در نتیجه به غایت پرهزینه بود و این وضعیت بر همه چیز از جمله بر سختی و صعوبت تکوین نهادهای آموزشی آکادمیک جدید و پیشرفت علمی و فنی جامعه اثر می گذاشت... (ص. ۲۲۱)

- به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جهت ازدواج و زاد و ولد و تکثیر نسل پیش رفت. (ص. ۵۲۲)

- تمرکز قدرت و کنترل هرج و مرج ها... از جمله موجبات و زمینه هایی بود که به تکوین و تشکیل دانشگاه در ایران بسترسازی می کرد. (ص. ۱۸۱).  
افزون بر این که در این جمله تناسب میان فعل و فاعل دیده نمی شود.

### به کارگیری واژگان نامأنوس

کار این حکومت ها اغلب به مطلقگی کشیده می شد (ص ۵۱).

فروغی که تحمل آمریت های رضاشاه او را خسته کرده بود... (ص. ۱۹۲)  
در این جامعه، مردم کشور در طول تاریخ غالباً یا در حالتی از ذره وارگی و بی تفاوتی و انفعال سیاسی و اجتماعی و در خود بودگی خاصی بسر می بردند؛ یا برعکس در دوره هایی خصیصه توده وارگی پیدا می کردند. (ص. ۵۰۷)

### بررسی و نقد محتوایی اثر

این کتاب مفصل و ۷۸۰ صفحه ای، کمبود یک نگاه تاریخی و جامعه شناختی به پدیده دانشگاه در ایران را برای علاقه مندان به مطالعات آموزش عالی برطرف می سازد. فرض پایه نویسنده در آن است که تحول نهادهای علمی و آموزشی در جوامع، همگام با دیگر تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، اتفاق می افتد. بر این اساس، نویسنده، مراحل مختلف رشد نهادهای علمی و جایگاه آن را در ایران واکاوی و برخی از ابعاد موضوع را از نظر تاریخ اجتماعی روشن می سازد.

### عنوان کتاب

عنوان یک اثر و میزان ارتباط آن با مطالب ارائه شده در متن، حاکی از توجه و دقت نویسنده در نگارش اثری معتبر و کارآمد است. در حقیقت، میان عنوان کتاب و سرفصل های آن باید ربط منطقی وجود داشته باشد و در عین حال، رسا، روشن و شیوا به نظر آید. در این کتاب، دو واژه «سوانح»

و «دانشگاه» عنوان را اندکی مبهم و نامفهوم ساخته‌است و بین محتوا و عنوان نمی‌توان ارتباط و هماهنگی لازم را یافت. سوانح جمع سانحه است و در لغت‌نامه دهخدا چنین تعریف شده: «احوالات و رویدادها. مگر اکثر استعمال این لفظ در رویدادهای متوحش و ناپسندیده باشد. اتفاقات. حوادث. اتفاقات ناگهانی و هر حادثه که ناگهانی روی دهد. رویدادهای متوحش و ناپسندیده». (دهخدا، ۱۳۷۳). یا فرهنگ عمید در معنای آن نوشته است: «اتفاقات، بلایا، حوادث، پیش‌آمدها، مصائب، وقایع». (عمید، ۱۳۷۸). بنابراین باهم‌آیی و چینش واژگان در انتخاب عنوان و استفاده از کلمه سانحه برای دانشگاه، به‌خوبی رعایت نشده‌است. علاوه بر این، نظام مدرن دانشگاه در ایران دارای تاریخچه‌ای حدود ۹۰ سال است و نمی‌تواند دربردارنده همه نهادهای علمی تاریخ باشد. به‌عبارت دیگر عنوان کتاب به‌گونه‌ایست که گویا نویسنده تاریخ نهاد دانشگاه را از زمان تأسیس دانشگاه تهران واکاوی می‌کند که با توجه به عناوین فصل‌ها و بررسی مقوله آموزش در ادوار مختلف تاریخی، این عنوان چندان جامعیت ندارد.

### بخش‌بندی کتاب و ارتباط ساختاری میان بخش‌ها

این اثر به‌لحاظ ساختاری از یک تعادل نسبی برخوردار است و از نظر تقسیم‌بندی دوره‌ها، توالی تاریخی و میزان توضیحات ارائه‌شده در هر فصل در میان قسمت‌های مختلف کتاب یک نظم ساختاری برقرار شده‌است. ایجاد ارتباط معنایی میان فصل‌های مختلف، به‌هم‌پیوستگی مطالب و تقسیم‌بندی ادوار تحول علم و نهادهای علمی، به متن انسجام و اعتدال بخشیده‌است. مثلاً دسته‌بندی تحول نهادهای علم و دانش در جوامع بشری در پنج دوره تمدن باستانی، سده‌های میانی، پس از رنسانس تا روشنگری، پس از روشنگری، و دوره چالش‌های پسانوگرایی و نیز تقسیم ادوار تحول نهادهای علمی ایران در هفت دوره تعویق و تأخیر، تمهید و آماده‌سازی برای آموزش مدرن، تکوین اولیه، تأسیس دانشگاه تهران، رشد و تکثیر، توسعه ناتمام و از تعطیل تا تعدیل و چالش‌های توسعه مجدد (فراستخواه: ۱۳۸۷) از نقاط قوت کار نویسنده به‌شمار می‌آید.

افزون بر این، نویسنده فهرست مندرجات و سرفصل‌ها را متناسب با متن انتخاب کرده و کمتر از موضوع خارج شده و نیز به بحث‌های مطرح شده شاخ و برگ اضافی نداده‌است. زیرا گاهی دیده می‌شود نویسندگان از هر گونه آگاهی و اطلاعات خود نامرتب با موضوع اصلی استفاده می‌کنند. با این حال، حجم وسیع مطالب و طولانی بودن برخی فصل‌ها

ممکن است برای خواننده خسته‌کننده باشد. شاید بهتر بود کتاب در دو یا چند جلد تنظیم می‌شد و روند گسترش آموزش و پرورش در ایران به‌صورت مجزا در دوره‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

### روش پردازش متن

پدیده دانشگاه را می‌توان از زوایای گوناگون بررسی نمود. بر مبنای رویکرد نهادگرا، دانشگاه یک نهاد اجتماعی است که در ارتباط مستمر با سایر نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و رشد پیدا می‌کند. بر این اساس دانشگاه و آموزش عالی را نمی‌توان جدا از زمینه اجتماعی آن مورد ارزیابی قرار داد. مقصود فراستخواه با این رویکرد تاریخی و جامعه‌شناختی و با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی تحولات آموزش عالی و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. نویسنده نگاهی آموزش‌محور دارد و توانسته‌است با بهره‌گیری از روش‌های علمی در اثبات اندیشه خود مبنی بر تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر روند شکل‌گیری، رشد و رکود نهادهای علمی تا حدود زیادی موفق عمل کند. نگاهی به فهرست منابع فارسی و انگلیسی پایان کتاب، نشان‌دهنده تلاش همه‌جانبه نویسنده و تسلط وی بر موضوع در تدوین کتاب است. همچنین ارائه نمودار و جدول‌های متعدد در متن و نمایه در پایان کتاب از ویژگی‌های ممتاز این اثر به‌شمار می‌رود که نقش مهمی در درک خواننده دارد و اهم مطالب را به‌صورت خلاصه در اختیار وی می‌گذارد. برای مثال در فصل‌های اول، چهارم و هفتم به ترتیب ۴، ۱۳ و ۳۰ جدول آمده‌است.

### جامع‌نگری و پوشش ابعاد مختلف موضوع

همان‌گونه که می‌دانیم آموزش عالی نقطه تلاقی سه قلمرو قدرت، فرهنگ و دانش است و در ظرف جامعه و فرهنگ عمل می‌کند. (ذاکرسالچی، ۱۳۸۴). این رابطه سه‌گانه در اثر فراستخواه در نظر گرفته شده و تأثیر این سه قلمرو بر فرایند آموزش از ابتدا تاکنون تبیین شده‌است. اما نقش فرهنگی - تمدنی دانشگاه مسئله‌ای است که به‌نظر می‌رسد در این اثر چندان جایگاهی ندارد. اگرچه نویسنده در لابه لای فصل‌ها به این موضوع اشاره کرده اما بحث نقش دانشگاه در ترویج و توسعه فرهنگی و تأثیر آن در معرفی و گسترش فرهنگ ایرانی در سطح جهانی، کم‌رنگ مانده‌است. این که دانشگاه ایرانی تا چه میزان توانسته‌است به همزیستی

افراد و فرهنگ‌های گوناگون و گفتگوی میان تمدن‌ها کمک کند، کمتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته‌است. همچنین نقش دانشگاه در تغییرات اجتماعی، وظیفه‌اش در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه، انجمن‌ها و نشریات دانشجویی مباحثی است که در این اثر، نویسنده کمتر به آن‌ها پرداخته‌است. در حالی که نقش فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، در سده اخیر و رسالت نقد و روشننگری اجتماعی آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که اعضای مؤثر آن اعم از هیئت علمی و دانشجویان با تفکر خلاق به ارزیابی مسائل سیاسی و اجتماعی می‌پردازند و دانشگاه می‌تواند با استفاده از دیپلماسی علمی در تعمیق دوستی میان ملت‌ها، صلح جهانی و کمک به توسعه پایدار نقش ایفا کند. گذشته از این، دانشگاه در پاسخ به مشکلات اجتماعی و بحران‌های هویتی وظیفه دارد به‌عنوان مغز متفکر و بازوی محرک و توسعه‌ساز جامعه، همه ابعاد حیات فرد و جامعه را مدنظر قرار دهد و علاوه بر جنبه‌های مادی تمدن بشری، به جنبه‌های روحی و معنوی زندگی افراد نیز توجه نماید (خرمشاد، ۱۳۸۷).

### ارزیابی نهایی اثر

بی‌تردید دانش از مهم‌ترین عناصر تمدنی به‌شمار می‌رود و دانشگاه‌ها در ایجاد و پیشرفت تمدن‌ها نقش مؤثری داشته و دارند. بر این اساس، جایگاه و موقعیت دانش در جامعه بشری و تکریم آن به‌عنوان یکی از ارکان سازنده فرهنگ و تمدن همواره مورد توجه قرار داشته‌است. چنانکه فراستخواه نیز معتقد است که دانشگاهیان در سطح ملی، نقش مؤثری در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند و در سطح بین‌المللی نیز علاوه بر گسترش مرزهای دانش، به صلح جهانی و بهبود و ارتقای شرایط زیست بشری و ظهور امکانات نهفته انسانی کمک می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۷). از این‌رو وی تلاش کرده تا تاریخ تطور این نهاد را در ایران از آغاز تا امروز تحلیل و بررسی کند و به این پرسش پاسخ گوید که خدادهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چگونه بر روند شکل‌گیری مراکز علمی تأثیر گذاشته و در برهه‌های مختلف تاریخی موجب رشد یا رکود آن شده‌اند؟

پیش از فراستخواه پژوهشگران دیگری نیز در این حوزه قلم زده‌اند، اما رهیافت‌ها، تحلیل‌ها و نتایجی که فراستخواه در پژوهش خود به‌دست آورده‌است تقریباً در آثار دیگر به‌چشم نمی‌خورد. آنچه این کتاب را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند مقایسه تطبیقی رشد نهاد آموزش در



ایران و اروپا و ارتباط میان سه حوزه سیاست، دین و دانشگاه است. وی با رویکردی عینی و واقع‌گرایانه عواملی که در تاریخ ایران، آموزش را با اختلال مواجه ساخته یا آن را توسعه بخشیده، بررسی کرده‌است. همچنین وی پیدایش و توسعه دانشگاه را در بستر تاریخ و جامعه تبیین نموده و نگاه خود را با زمان تطبیق داده‌است. چنانکه می‌توان این کتاب را یک اثر تاریخی قلمداد کرد. با این تفاوت که به‌جای حکومت‌ها، دانشگاه، محور اصلی ماجراست. اگرچه کتاب وارد بعضی حوزه‌های مرتبط نشده و به‌لحاظ شکلی و محتوایی انتقاداتی بر آن وارد است، اما در مجموع، این اثر، از یک تعادل ساختارمند برخوردار است. نویسنده با ارائه شواهد دقیق گفتار خود را سندیت بخشیده و نگرش عمیق وی به موضوع در جای جای کتاب قابل تشخیص است.

گذشته از این، چارچوب مفهومی این اثر به‌خوبی بیان شده و خواننده می‌تواند پیام اصلی متن را دریابد. چنانکه انحطاط علمی و فرهنگی در ایران و فاصله ۷۰۰ ساله از اروپا تا تأسیس دانشگاه و دلایل این عقب‌ماندگی در کتاب تبیین شده‌است. به‌عقیده نویسنده تبحر فرهنگی و مذهبی، اقتصاد ایلاتی، بی‌ثباتی و خودکامگی موجب شد سنت‌های تعلیمی ایران پویایی خود را از دست بدهد و از کاروان علم عقب بماند. در حقیقت، ویژگی مراکز علمی - آموزشی در ایران تا پیش از تحولات دوره قاجار، ایستایی و عدم تحرک بود. اگرچه پیش از آن، آسیب‌های سنگینی بر نهاد آموزش و پرورش وارد آمده بود، اما این نظام، توانست در برخورد با مغرب‌زمین و ایجاد برخی دگرگونی‌های سطحی، تجربیاتی نیز به‌دست آورد. (تکمیل همایون، ۱۳۸۵).

افزون بر این، با مطالعه سیر تحول علم و مراکز علمی در این کتاب، تفاوت نوع آموزش در ادوار مختلف تاریخی مشخص می‌شود. دیگر دانشجو نمی‌تواند همچون گذشته تنها به حافظه و تجربیات متکی باشد؛ بلکه فرد یاد می‌گیرد که به‌جای اطاعت مطلق، آزادانه بیندیشد، قدرت استدلال و تصمیم‌گیری پیدا کند، همچنین به‌جای پذیرش کامل و تکرار سخن استاد، در یک کوشش جمعی، نظر و درک شخصی خود را در امور جهان و جامعه به‌کار گیرد و در راه ارتقا و توسعه علوم سهیم شود. از طرف دیگر دانشگاه به‌عنوان یک منبع قدرت نباید تنها به تولید علم بسنده کند، بلکه می‌بایست همچون یک حزب سیاسی در تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشد. همچنان‌که دانشجویان به‌عنوان بخش گسترده‌ای از شبکه فکری حاکم بر جامعه همواره از نیروهای فعال در رخدادهای سیاسی -

اجتماعی کشور به حساب آمده و در نقادی قدرت و عملکرد نخبگان حاکم مشارکت داشته‌اند. چنان‌که نقش دانشجویان در وقایع مهمی چون نهضت ملی شدن صنعت نفت، مخالفت با ورود نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران در سال ۱۳۳۲ و متعاقب آن شهادت سه تن از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و... انکارناپذیر است. (قاسمی، ۱۳۸۲؛ دهنوی، ۱۳۶۰).

فصلنامه نقدکتاب

**علم‌اندیشا**

سال اول، شماره ۴-۳  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۷۰

## منابع

- آقازاده، احمد؛ محمد آرمنند (۱۳۹۲). تاریخ آموزش و پرورش ایران با نگاهی بر تحولات تربیتی دوره معاصر، تهران: سمت.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵). آموزش و پرورش در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چ. اول.
- دهنوی، محمد (۱۳۶۰). قیام خونین ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران: رسا.
- ذاکرحاجی، غلامرضا (۱۳۸۴). دانشگاه ایرانی در آمدی بر آموزش عالی، تهران: کویر.
- زهر، آرسی (۱۳۷۷). تعالیم مغان، تهران: توس.
- صفوی، امان‌الله (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا ۱۳۸۰، تهران: رشد.
- عمید، حسن (۱۳۷۸). فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی، تهران: نی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- قاسمی، علی اصغر (۱۳۸۲). نقش جنبش دانشجویی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۸ و ۱۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
- کسایبی، نورالله (۱۳۸۳). فرهنگ نهادهای آموزشی ایران از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی، تهران: دانشگاه تهران.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۸). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران، ج. اول.
- نراقی، احسان (۱۳۵۶). جامعه، جوانان، دانشگاه، تهران: کتاب‌های جیبی فرانکلین.